



## **An Analytical Assessment of the Expectations of the Supreme Leader for the Evolution of the Quranic- Based Humanities: Emphasizing the Declaration of Second Step of Revolution\***

Abuzar Rajabi<sup>۱</sup>

### **Abstract**

In the declaration of the second step of the revolution, science is considered the most obvious means of honor and power of a country and the country needs to be the source of science. The humanities have a special place among these sciences. The existing humanities are the product of the West and the intellectual foundations of that land, and the ideas of the modern age and its foundations and components have arbitrarily arranged the humanities per humanism and liberalism, but the divine worldview offers different humanities to human beings. Transformation in the humanities has been and is one of the basic necessities of the Islamic Revolution; but how should a transformation based on Quranic beliefs take shape? What are the harms of non-Islamic humanities based on Islamic worldview? What are the requirements for change in this field? In this research, with a descriptive-analytical approach and based on discovering the views of the Supreme Leader, and emphasizing the declaration of the second step of the revolution, we will refer to His Majesty's expectations in this development. The research finding is based on the intellectual system of the Supreme Leader of the Revolution, the most important and deepest need of the Islamic system is a fundamental change in the existing humanities.

Keywords: Transformation of Humanities, Islamic Humanities, Existing Humanities, The Supreme Leader of the Revolution, The Declaration of the Second Step.

---

\*. Date of receiving: February ۱۷, ۲۰۲۱, Date of approval: October ۱۱, ۲۰۲۱.

<sup>۱</sup>. Assistant Professor, University of Islamic Studies, Department of Theoretical Foundations of Islam (rajabi@maaref.ac.ir)



## سنجش تحلیلی انتظارات مقام معظم رهبری ناظر به تحول علوم انسانی قرآن بنیان با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب\*

ابوذر رجبی<sup>۱</sup>

### چکیده

در بیانیه گام دوم انقلاب، دانش آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور دانسته شده و نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش اعلام شده است. علوم انسانی در میان این دانش‌ها از جایگاه ممتازی برخوردار است. علوم انسانی موجود محصول غرب و مبانی فکری آن سرزمین است و تفکرات دوران مدرن و مبانی و مؤلفه‌های آن خواه‌ناخواه علوم انسانی را متناسب با اومانیسیم و لیبرالیسم سامان داده است؛ اما جهان‌بینی الهی، علوم انسانی متفاوتی در اختیار بشر می‌گذارد. تحول در علوم انسانی از ضرورت‌های اساسی انقلاب اسلامی بوده و هست؛ اما تحول مبتنی بر باورهای قرآنی چگونه باید شکل گیرد؟ آسیب‌های علوم انسانی غیر مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی کدام‌اند؟ بایسته‌های تحول در این عرصه چیست؟ در این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر کشف دیدگاه مقام معظم رهبری و با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب به انتظارات معظم‌له در این تحول اشاره خواهیم کرد. یافته تحقیق آن است که مبتنی بر منظومه فکری رهبر انقلاب، مهم‌ترین و عمیق‌ترین نیاز نظام اسلامی، تحول بنیادین در علوم انسانی موجود است.

واژگان کلیدی: تحول علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، علوم انسانی موجود، رهبر معظم انقلاب، بیانیه گام دوم.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹.

۱ - استادیار دانشگاه معارف اسلامی، گروه مبانی نظری اسلام Rajabi@maaref.ac.ir

## مقدمه

علوم انسانی موجود متناسب با اصول و مبانی فکری مغرب زمین بوده و از جهت نرم‌افزاری ناسازگار با مبانی دینی ماست. چراکه از مبانی دوره مدرن تغذیه کرده و متأثر از آن هستند. اگر کسی بر این باور باشد که مبانی و جهان‌بینی دینی در علوم انسانی و کارکردهای آن تأثیری ندارد، اسلامی بودن علوم انسانی در نظر او منتفی بوده و در واقع تن به علوم انسانی سکولار داده است؛ زیرا نمی‌توان گفت علوم انسانی خنثی بوده و از نظر وابستگی و تعلق به مکتب و ایدئولوژی بی‌نقش است. این امر امروزه در خود غرب نه تنها در علوم انسانی، حتی در علوم طبیعی نیز منتقد جدی دارد.

از جمله دلایل مخالفان علم دینی و به تبع آن علوم انسانی اسلامی، لزوم تفکیک میان دانش و ارزش و بالعکس است. اینان بر این باورند که علم دینی به معنای آمیختن ارزش با دانش است و این خطا و مغالطه‌ای است که طرف‌داران علم دینی مرتکب آن شده‌اند (سروش، اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم، ۱۳۸۵: ۲۱۷-۲۰۶؛ پایا، دشواری‌های سخن گفتن از مفهوم علم دینی، ۱۳۸۶: ۶۶). بر اساس اعتقاد این طیف میان ارزش و دانش که در واقع همان هست و نیست‌ها و باید و نباید‌هاست، رابطه منطقی وجود نداشته و امکان ندارد از یکی به دیگری پل زد (هیوم، تحقیق در مبادی اخلاق، ۱۳۷۷: ۱۳۷؛ جوادی، مسئله باید و هست، ۱۳۷۵: ۲۹؛ حائری یزدی، کاوش‌های عقل عملی، ۱۳۶۱: ۲۰؛ سروش، دانش و ارزش، ۱۳۶۱: ۲۴۱؛ همو، علم چیست، فلسفه چیست؟ ۱۳۷۵: ۸۶؛ همو، تفرج صنع، ۱۳۸۸: ۱۷۲؛ پارسانیا، سنت، ایدئولوژی، علم، ۱۳۸۵: ۷۳؛ همو، علم و فلسفه، ۱۳۸۳: ۱۵۵)؛ نه تنها ارزش‌ها در مقام کشف، بلکه در مقام داوری نیز نمی‌توانند بر گزاره‌های علمی اثر بگذارند؛ چراکه به باور اینان مقام داوری در حوزه علم هم صرفاً باید مطابقت با واقع باشد (پایا، دشواری‌های سخن گفتن از مفهوم علم دینی، ۱۳۸۶: ۶۶).

دلیل دیگری که نفی‌کنندگان این رابطه بیان می‌دارند، آن است که نمی‌توان تعلقات و دل‌بستگی‌ها را که همان ارزش‌های محقق و پژوهشگر است، در حقایق و داده‌های علمی که مربوط به عالم واقع و عینی است، ربط داد. اینان بر این باورند که مفاهیم ارزشی هیچ ارتباطی با واقعیات و امور خارجی نداشته و صرفاً بیانگر احساسات درونی افراد و طرز تلقی آنها نسبت به مسئله‌ای است (آیر، زبان، حقیقت و منطق، بی‌تا: ۱۴۶؛ اتکینسون، درآمدی به فلسفه اخلاق، ۱۳۶۹: ۱۴۱-۱۴۰). دانش با واقعیات‌ها سروکار داشته و گزاره‌های علمی حاکی از واقع هستند. اما گزاره‌های ناظر به ارزش، صرفاً بیانگر و حاکی از احساسات درونی افراد بوده و ربطی به واقع ندارند. ارتباطی میان این دو دسته از

گزاره‌ها وجود ندارد (باقری، هویت علم دینی، ۱۳۸۲: ۲۳).

در غرب جدید، متفکران به تفکیک ارزش از دانش نظر مساعد داشته و رسماً از این جدایی سخن گفته‌اند. اگرچه هیوم برای اول‌بار در آثار خود به حسی و تجربی نبودن ارزش‌ها نظر داد و عدم ارتباط دانش و ارزش را بیان داشت؛ اما در دوران معاصر این دیدگاه طرف‌دارانی بیشتری یافت. ماکس وبر از شخصیت‌هایی است که ارزش‌ها را مربوط به حوزه دانش نمی‌داند (وبر، دین، قدرت، جامعه، ۱۳۸۲: ۱۶۶)؛ البته در برابر افرادی مانند هابرماس به تأثیر و رابطه میان دانش و ارزش و تعلقات انسانی نظر مثبت داشته و از آن دفاع می‌کنند. مارکسیست‌ها و نئو مارکسیست‌ها نیز از تأثیر ارزش بر دانش و بالعکس سخن می‌گویند (راین، فلسفه علوم اجتماعی، ۱۳۷۰: ۲۶۸) برخی از تجربه‌گرایان که خود پیرو اندیشه‌های پوپر هستند، از تأثیر ارزش بر دانش دفاع می‌کنند (لاکاتوش، علم و شبه علم، ۱۳۷۵: ۱۰۹؛ چالمرز، چیستی علم، ۱۳۷۴: ۱۰۳؛ لازی، درآمدی تاریخی به فلسفه علم، ۱۳۶۲: ۲۹۴).

متفکرانی که از علم دینی سخن می‌گویند نیز به ارزش‌پذیری دانش نظر داشته و به صراحت بر تأثیر ارزش‌ها بر دانش‌ها و البته بالعکس نظر داده‌اند (بستان و دیگران، گامی به سوی علم دینی، ۱۳۸۴: ۹۰/۱)؛ به این معنا که اگر بپذیریم نظام ارزش‌ها بر دانش‌ها اثرگذارند، یکی از مهمترین این نظام ارزشی، دین خواهد بود؛ پس علم دینی هم معنا خواهد داشت. البته این به معنای عدم عینیت علم نخواهد بود. در عین اینکه علم ناظر به واقعیت بوده و از عینیت برخوردار است، از ارزش‌های مدنظر فاعل شناسا نیز تأثیرپذیر خواهد بود.

با توضیحات ارائه شده می‌توان بیان داشت که علوم انسانی اسلامی متفرع بر پذیرش علم دینی است؛ بنابراین مبانی و جهان‌بینی نقش اساسی در علوم انسانی دارند. در میان مبانی علوم انسانی، انسان‌شناسی نقش مهمتری دارد. به تعبیر استاد مصباح یزدی: «علم انسان‌شناسی غربی که بر تعریفی ناقص از انسان و تصویری مادی و «بشرط‌لا» از حقیقت مجرد او بنا شده است، با علم انسان‌شناسی دینی و اسلامی که موضوعش موجودی دو بُعدی است تفاوت‌هایی فاحش دارد و همین تفاوت، توصیف آن به دینی و اسلامی را توجیه می‌کند.» (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۷: ۲۲۰).

مبنتی بر نظر مقام معظم رهبری علوم انسانی باید با مبانی دینی اسلامی سازگار باشد و یا نهایتاً تعارضی نداشته باشد. براساس اندیشه‌های معظم‌له مبانی در اسلامی سازی علوم تأثیرگذارند، به گونه‌ای که باعث می‌شوند علوم انسانی گوناگون به دو قسم دینی و غیردینی تقسیم شوند. علوم انسانی - اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی سامان می‌یابد و در آن منبع و حیاتی نقش جدی دارد. به همین

جهت به صراحت ایشان از علوم انسانی قرآن‌بنیان سخن می‌گویند و بالطبع محققان این عرصه در تولید این‌گونه علوم باید به قرآن توجه جدی داشته باشند. باور به علوم انسانی سکولار، مدیران و کارگزاران متناسب با خودش را در عرصه تصمیم‌گیری در مدیریت کلان کشور تربیت می‌کنند (سخنرانی: ۱۳۸۲/۸/۸).

یکی از شاخصه‌های پیشرفت انقلاب در بیانیه، دستاورد انقلاب اسلامی در نیل به آزادی علمی بیان شده است (بیانیه گام دوم انقلاب: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) این آزادی در عرصه علوم انسانی، تغییر جدی در مبانی علوم انسانی است. تولید علوم انسانی اسلامی از ضروریات جامعه و نظام اسلامی بوده که عدم توجه به آن جبران‌ناپذیر خواهد بود. عزت و اقتدار جمهوری اسلامی در حوزه علم، به رخ کشیدن پیشرفتهای و تفاوت‌های علمی با غرب است. سبک زندگی غربی متأثر از مبانی فکری غرب است که در حوزه علوم انسانی خود را به نمایش می‌گذارد. سبک زندگی اسلامی علوم انسانی ناظر به جهان‌بینی دینی می‌طلبد. در این پژوهش به ضرورت تحول در علوم انسانی موجود از دیدگاه رهبر انقلاب اشاره و در ادامه به شرایط تأسیس علوم انسانی قرآن‌بنیان، از دو منظر مبنا و روش از دیدگاه معظم‌له اشاره خواهیم کرد.

### پیشینه تحقیق

تحقیق حاضر از نظر پیشینه عام ذیل عناوین ناظر به علم دینی و یا علوم انسانی اسلامی قرار می‌گیرد که آثار قابل توجهی در منشورات کشور درباره آن وجود دارد. پاره‌ای از این آثار که ناظر به دیدگاه مقام معظم رهبری هستند را می‌توان با این عناوین یاد کرد. «مطالبات مقام معظم رهبری در موضوع علوم انسانی» این اثر توسط ناصر بروجردی و با حمایت موسسه سراج اندیشه اسلامی گردآوری شده است. مجموعه حاضر فزازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب است که حول محور علوم انسانی تدوین شده است. کتاب «علمی برای تحول؛ علوم انسانی از منظر مقام معظم رهبری» که با همت مؤسسه بروج اندیشه آسمانی گردآوری شده و به بیان ضرورت تغییر و تحول در علوم انسانی از دیدگاه مقام معظم رهبری است. کتاب «روشنای علم» توسط مؤسسه فرهنگی-پژوهشی انقلاب اسلامی تدوین شده و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب در زمینه دانش و تولید علم را بیان می‌دارد. کتاب «نهضت نرم‌افزاری از نگاه مقام معظم رهبری» تألیف جمعی از مولفان؛ کتاب «الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی» نگاشته سید مهدی موسوی و کتاب «منظومه فکری

مقام معظم رهبری» تألیف جمعی از نویسندگان زیر نظر عبدالحسین خسروپناه به تبیین علوم انسانی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری اشاره دارند؛ اما در هیچ‌یک از آثار به موضوع این پژوهش که ناظر به علوم انسانی قرآن بنیان است، پرداخته نشده است. از این نظر تحقیق پیش‌رو ابداعی بوده و کاملاً متفاوت از نگاه‌های موجود است.

### چیستی علوم انسانی

از زمان پیدایش علوم انسانی تا امروز همواره تعریف علوم انسانی همانند روش، موضوع و هدفش مورد اختلاف اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان بوده است (مصباح، فلسفه علوم انسانی، ۱۳۹۷: ۲۳). از منظرهای مختلف، از علوم انسانی تعاریف متعددی عرضه شده است (فروند، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ۱۳۷۲: ۴-۲). به اجمال می‌توان گفت علوم انسانی دانش‌هایی هستند که انسان در آنها از لحاظ حیات درونی و روابط با دیگران، بررسی می‌شود. برخی در تعریف علوم انسانی با توجه به غایت آن علوم انسانی را علومی می‌دانند که در ساختن انسان و تکامل معنوی و روحی انسان می‌توانند نقش داشته باشند و از این جهت، با هدف انبیاء و تعالیم آن‌ها ارتباط پیدا می‌کنند (جمعی از نویسندگان، اسلام و انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۱: ۱۹۷). عده‌ای ناظر به همین غایت علوم انسانی را هدایتگر و راهبر انسان دانسته که به کنترل و مدیریت رفتار انسان می‌انجامد (میرباقری، گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

برخی از اندیشمندان تعریف علوم انسانی را از حیث موضوع این‌گونه بیان نمودند: هر علمی که برای ورود به آن نیازمند به تعریف انسان باشیم علوم انسانی نامیده می‌شوند (حائری شیرازی، اسلامی‌سازی علوم انسانی تنگه احدی برای جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱: ۷۰)؛ یا اینکه تمام علوم غیر از علوم پایه، مهندسی و پزشکی را شامل می‌شود. علوم عقلی، نقلی، شهودی و تجربی از جمله این علوم هستند (خسروپناه، تحول در علوم انسانی، ۱۳۹۲: ۳۴۲/۲). برخی ناظر به موضوع علوم انسانی را ناظر به موضوعاتی می‌دانند که با آگاهی و اراده انسان حاصل می‌شوند (پارسانیا، تحول در علوم انسانی، ۱۳۹۲: ۲۴۲/۲). در این تعریف موضوع علوم انسانی کنش انسانی است (همو، جهان‌های اجتماعی، ۱۳۹۲: ۲) عده‌ای نیز به دلیل دخالت انسان در علم، همه علوم را انسانی می‌دانند؛ چراکه انسان، موضوع علم است نه بستر علم؛ بنابراین روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و همه جلوه‌هایی که حیات بشری پیدا کرده (اعم از فردی و جمعی، مقطعی و پروسه‌ای و...) همه در گستره



علوم انسانی واقع می‌شوند (باقری، تحول در علوم انسانی، ۱۳۹۲: ۲۷۹/۲-۲۷۷).  
پاره‌ای از محققان در تعریف علوم انسانی بیان می‌دارند: «تعریف، توصیف، تفسیر، تبیین،  
پیش‌بینی، ارزشیابی و جهت‌دهی کنش‌های اختیاری انسان می‌پردازند.» (شریفی، روش‌شناسی علوم  
انسانی اسلامی، ۱۳۹۵: ۴۲؛ همو، مبانی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).  
در تعاریف یادشده علوم انسانی عمدتاً به مطالعه رفتارها و افعال انسانی می‌پردازد و فعالیت‌های فردی و  
اجتماعی انسان را تبیین و تفسیر می‌کند (خسروپناه، چیستی فلسفه علوم انسانی، ۱۳۹۱: ۲) غیر از تبیین و  
تفسیر باید از پیش‌بینی، تقویت، اصلاح یا تغییر کنش‌های انسانی نیز به عنوان شاخصه‌های اساسی در  
تعریف علوم انسانی یاد کرد (شریفی، مبانی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).  
با مراجعه به آثار متفکران اسلامی (از جمله مقام معظم رهبری) می‌توان علوم انسانی را این‌گونه  
تعریف کرد: علوم انسانی به علمی اطلاق می‌شود که به انسان و ابعاد وجودی او می‌پردازد؛ البته ابعاد  
وجودی ناظر به بعد انسانی نه از ناظر به ابعاد طبیعی و فیزیولوژیکی. با توجه به این تعریف علوم  
انسانی ناظر به کنش‌های فردی و اجتماعی خواهد بود که ارتباط وثیقی با اراده و آگاهی انسان دارد  
(رک: ساجدی، اسلامی‌سازی علوم انسانی، آسیب‌ها، ۱۳۹۱: ۲۳/۲).

### تحول در علوم انسانی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

رهبر انقلاب از سالهای متمادی مسئله تحول در علوم انسانی موجود، ارتقای آن و تولید علوم  
انسانی منطبق با مبانی اسلامی را مطرح و در مناسبت‌های مختلف در پیام‌های خودشان مکرر به نقد  
علوم انسانی موجود و آسیب‌های آن پرداخته و خواستار تحول بنیادین در آن هستند.  
ایشان تحول را یک مسئله حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که گریز از آن موجب انزوا و نابودی  
می‌شود. علت تحول را از منظر ایشان در دو چیز می‌توان جستجو کرد. الف: پیشرفت و حرکت دائمی  
بشر؛ قدرت تحول دائمی را به عنوان یک دغدغه مهم می‌طلبد. این مسئله کاملاً متأثر از نگاه قرآنی  
است. در تعبیر قرآن شریف مسئله صیوروت انسان مطرح شده که بیان‌کننده سیر و حرکت دائمی  
انسان است. تعبیری همچون: «الی الله المصیر» «الیه المصیر» به تعبیر یکی از مفسران: «قرآن کریم  
از سیر انسان به «صیوروت» یاد کرده است. تفاوت صیوروت با سیر در این است که سیر (باسین) به  
معنای حرکت است که در همه اجرام زمینی و آسمانی، وجود دارد. اما صیوروت یعنی تحوّل و شدن و  
از نوعی به نوع دیگر و از منزلتی به منزلت دیگر و از مرحله ای به مرحله دیگر، تکامل یافتن.» (جوادی

آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، (۱۳۸۱: ۹۹). ب: بنیان‌گذاری غلط دانشگاه‌های ما از ابتدای تأسیس (زمان طاغوت) که با سیاست‌های نامطمئن؛ مبنی بر دین‌زدایی، تقلید علمی بدون هرگونه ابتکارات و خلاقیت‌های علمی بنا شدند و هنوز ادامه دارند. اصلاح، تحول و یک صیوروت درونی را برای دانشگاه که پایگاه و مرکز علوم مختلف هستند ضروری و مضاعف می‌نماید (سخنرانی: ۱۳۹۷/۳/۲۰)؛ دو شاخصه مهم تحول عبارتند از: به‌روز بودن و عقب نبودن از زمان (سخنرانی: ۱۳۷۹/۹/۸) تکمیل و رفع نواقص داشته‌ای مفید دیگران (سخنرانی: ۱۳۹۰/۶/۱۷)، در بحث جنبش نرم‌افزاری ضمن اشاره به این نکته بیان می‌دارند: «جنبش نرم‌افزاری، یعنی در معرفت علمی نشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه‌چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند، بیاورند در دست شما بگذارند. جنبش نرم‌افزاری، یعنی در زمینه علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید.» (سخنرانی: ۱۳۸۳/۱۰/۱۷). این امر هم کاملاً متأثر از نگاه قرآنی مقام معظم رهبری است. قرآن مسئله سعی و تلاش آدمی در آیات متعددی مطرح می‌کند. آیه ۳۹ سوره نجم: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» نمونه‌ای از آن است که بیان می‌دارد دستاورد شما تنها در سایه‌ی سعی شما و تلاش شما و کار شما است (سخنرانی: ۱۳۹۳/۲/۱۰). اگرچه عمده مفسران آیه را ناظر به آخرت دانسته‌اند (مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، ۱۴۲۳: ۴/۱۶۵؛ ابن‌قتیبیه، تفسیر غریب القرآن، ۱۴۱۱: ۳۷۱؛ سمرقندی، تفسیر السمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۳۶۵؛ طبرانی، التفسیر الکبیر، ۲۰۰۸: ۶/۱۴۶)؛ اما برخی از آنان با تبیین این نکته که دنیا مقدمه آخرت است، به این امر اشاره دارند که سعی انسان در این دنیا سبب کسب نتیجه در آخرت خواهد بود؛ بنابراین آیه شامل تمامی افعال و رفتار آدمی خواهد شد (رازی، التفسیر الکبیر، ۱۴۲۰: ۴/۱۳۷؛ صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۱: ۳/۱۷۶؛ مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۱/۳۱۷؛ همان: ۷۰/۱۲؛ همان: ۵۳/۲۱؛ صادقی تهرانی، الفرقان، ۱۴۰۶: ۲۷/۴۵۲).

### ضرورت و چرایی تحول در علوم انسانی

با تحلیل سخنان معظم‌له می‌توان مهم‌ترین دلایل تحول در علوم انسانی را این‌گونه برشمرد:

#### یکم. جبران عقب ماندگی علوم انسانی موجود

جبران عقب‌ماندگی علوم انسانی موجود در این مقطع زمانی یکی از مهم‌ترین عوامل ضرورت در تحول علوم انسانی است (سخنرانی: ۱۳۹۴/۴/۱۳؛ همچنین مورخ: ۱۳۸۲/۲/۲۲). عقب بودن علوم،





در عرصه‌های مختلفی همچون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خسارات زیادی را توسط دنیای غرب، بر جهان اسلام تحمیل نموده است: «علت این تسلط و غلبه، مجهز بودن غرب به سلاح علم و در مقابل، عقب بودن دنیای اسلام از این علوم بود.» (سخنرانی: ۱۳۸۵/۶/۲۵).

جبران عقب ماندگی علوم انسانی و نظریه پردازی در این زمینه نه تنها باعث پیشرفت علم در داخل کشور می‌شود، بلکه باعث فزونی علم تمام بشر می‌شود (سخنرانی: ۱۳۸۸/۲/۲۷). پیشرفت، تحول و تکامل و به‌روزرسانی علوم، بدون هرگونه انحراف و خطایی در شاخه‌های مختلف علوم انسانی مانند: فقه، جامعه‌شناسی، سیاست و... لازم و ضروری است و نیروهای خیره، اهل تعمق و نواندیش مسئولیت این کار را برعهده دارند (سخنرانی: ۱۳۹۵/۳/۱۴).

### دوم. تأخیر در تحول علوم انسانی، عامل خسارت به انقلاب

علوم انسانی مشخص کننده مسیر حرکت انقلاب است. در صورت عدم تحولات لازم، باعث انحراف از مسیر صحیح و اهداف انقلاب گشته، خسارات زیادی را برای آن، به بار می‌آورد: «مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی، آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد، لذا باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازنگری و برنامه‌ریزی جدید طی مدت زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برسد.» (سخنرانی: ۱۳۹۳/۷/۲۶). نگاه قرآنی به انسان کاملاً متمایز از دیدگاه غرب مدرن است. در غرب جدید مبتنی بر امانیسم، مسائل انسان‌شناسی مطرح می‌شود و به همین دلیل رهبر انقلاب تأخیر در تحول این نگاه را خطرناک تلقی می‌کنند. اما علوم انسانی قرآن محور انسان را خلیفه الهی در زمین می‌داند (بقره/۳۰) تعلیم دهنده اسمای الهی به ملائکه (بقره/۳۱ و ۳۳)؛ مسجود ملائکه آسمانی (بقره/۳۴؛ اعراف/۱۱) و حامل امانت الهی است (احزاب/۷۲)؛ انقلاب اسلامی با چنین نگاهی به انسان دنبال تحول در عرصه علوم انسانی است. ماجرای انقلاب فرهنگی در اوایل انقلاب در راستای همین امر شکل گرفت.

### سوم. اداره و مدیریت کشور، با علوم انسانی

مدیریت امور اساسی کشور با دانش علوم انسانی صورت می‌گیرد. از این جهت توجه به علوم انسانی بومی که با مبانی و ساختار این کشور هماهنگ باشد، امری ضروری است: «علوم انسانی،

علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، به نوآوری و نواندیشی علمی؛ یعنی اجتهاد، احتیاج دارد. ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعی امان عقب خواهد ماند...» (سخنرانی: ۱۳۷۹/۱۲/۹). یکی از دلایل مهم در تحول علوم انسانی مسئله تربیت مدیران لایق و شایسته برای اداره کشور است؛ چراکه اولاً: این نظام باید با ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی و باورهای دینی اداره شود؛ ثانیاً: راه پیشرفت کشور درگرو داشتن نیروهای انسانی متخصص برخوردار از ارزش‌های اخلاقی و متعهد است (مصباح یزدی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی: ۱۳۸۵/۴۳-۱۸). ابعاد مختلف مدیریتی در جامعه اسلامی در حوزه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ... نیازمند تربیت اسلامی و قرآنی است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۲: ۵/۴۱۳-۳۸۲).

#### چهارم. مقابله با زورگویی‌های بیگانگان در حوزه علمی

یکی از راه‌های مقابله با زورگویی‌های بیگانگان و غلبه بر آن‌ها کسب قدرت علمی است. عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه کشور، در گرو توجه جدی به علوم انسانی اسلامی است؛ چراکه تا زمانی که تحولات لازم در علوم انسانی کشور صورت نگیرد و مبانی علمی و فلسفی تحول در علوم انسانی تدوین نشود ویژگی‌های یادشده محقق نخواهد گردید: «... کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، استقلال و هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد...» («العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت، را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند.» (سخنرانی: ۱۳۸۶/۶/۱۲). آیه نفی سبیل (نساء/۱۴۱)، با اطلاقی که دارد در مسائل علمی و مقابله با سلطه دانشی نیز مطرح خواهد بود. با توجه به اینکه در این کریمه واژه «سبیل» از قبیل «نکره در سیاق نفی» است، افاده عموم داشته و هرگونه سلطه‌ای از جمله استیلای علمی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۴/۱۷۵). البته مفسران درباره عدم سلطه برداشت‌های یکسانی ندارند (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۳/۳۶۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۱۹۶؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۵). برخی آن را ناظر به عدم سلطه در دنیا و آخرت (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۵/۱۱۷) برخی عدم سلطه در جمیع احکام (ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۶۹: ۲/۲۱۲)؛ عده‌ای عدم سلطه در حجت و برهان (طوسی، التبیان، بی‌تا: ۳/۳۶۴؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۵؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی،

۱۴۱۵: ۱/ ۵۱۲؛ حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۱/ ۵۶۵؛ بحرانی، البرهان، ۱۴۱۵: ۲/ ۱۹۱؛ بعضی  
عدم سلطه در قیامت (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳/ ۱۶۸) دانسته‌اند.

### پنجم. رهایی از تعبد علمی و علوم منسوخ شده

عده‌ای امروز در دنیا با بهانه‌های مختلف، علوم منسوخ شده خودشان را به‌عنوان فکری نو به  
ملت‌ها منتقل می‌کنند، عده‌ای بی‌اطلاع از کار آنها دچار تعبد علمی و تسلیم محض در برابر آن علوم  
شده، به‌عنوان فرآورده‌های علمی بکر و جدید در همه جا اعم از مراکز علمی و دانشگاهی، اداره کشور  
و... مورد استفاده قرار می‌دهند. برای رهایی از این جزمی‌گرایی و علوم منسوخ شده، تحول در علوم  
انسانی ضروری است (سخنرانی: ۱۳۷۹/۱۲/۹).

رهبر معظم انقلاب با اشاره به تاریخ علم اروپا بر این مسأله تأکید و یادآوری می‌نمایند که اروپایی‌ها  
هنگامی حاضر به انتقال علوم خویش به دیگران می‌شوند که دانش آن‌ها منسوخ شده و دیگر احتیاجی به  
آن ندارند؛ چراکه آن‌ها همیشه و در طول تاریخ «بهترین و برترین پیشرفت‌ها و کارهای علمی را در  
محدوده خود حفظ کرده‌اند و امروز نیز همین کار را می‌کنند.» (سخنرانی: ۱۳۷۳/۳/۱۹). از امور مهم در  
حوزه تحول علوم انسانی توجه به همین نکته است که از پذیرش بی‌مبنای علوم موجود دست برداریم و  
عالمانه و محققانه و منصفانه به علوم داشته باشیم: «باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما  
بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی  
مُنزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف  
حلاجی کنند؛ روی آن‌ها سؤال بگذارند؛ این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان  
استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است...» (سخنرانی:  
۱۳۷۹/۱۲/۹). مستند قرآنی این دیدگاه معظم‌له را می‌توان آیاتی که پیروی از قول احسن را بیان می‌دارند،  
دانست. این امر نه تنها ناظر به بعد نظری که حتی جنبه عملی را دربر می‌گیرد. از جهت نظری آیه «فَبَشِّرْ  
عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/۱۸-۱۷)، و از نظر عملی نیز کریمه: «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا  
أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ.» (زمر/۵۵)، گویای این مطلب هستند.

### ششم. آسیب‌های علوم انسانی موجود

علاوه بر موارد یادشده می‌توان به این آسیب‌ها در حوزه علوم انسانی غربی نیز اشاره کرد:

۱. مبتنی بر جهان‌بینی غربی و برخاسته از تفکرات پوزیتیویستی؛ (سخنرانی: ۱۳۸۹/۸/۲)؛

۲. مبتنی بر تقلید و ترجمه‌گرایی بی‌رویه (سخنرانی: ۱۳۷۹/۹/۱۲):
۳. ایجادکننده تردید، شکاکیت، در دل جوانان؛ (سخنرانی: ۱۳۸۸/۶/۸):
۴. عدم توجه علوم انسانی موجود غربی به نیازهای بومی کشر (سخنرانی: ۱۳۸/۶/۱۲):
۵. بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به معارف اسلامی (سخنرانی: ۱۳۷۱/۹/۱۹).

این آسیب‌ها به گونه دیگری در بیانیه گام دوم هم مورد اشاره قرار می‌گیرد. ایشان ضمن پذیرش پیشرفت‌های علمی غرب در دو‌یست سال اخیر، بنیان دانش موجود را در میان آنان با آسیب مهم دوری از مبانی اخلاقی و اعتقادی بیان می‌دارند. «دنایای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم؛ اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.» (بیانیه گام دوم انقلاب: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

#### هفتم. رفع اتهام تحجر و ناکارآمدی از اسلام

علم و دین دو رویه حیات معقول در اسلام هستند (جعفری، علم و دین در حیات معقول، ۱۳۸۹: ۳۹). اسلام ضمن توصیه و تأکید زیاد بر علم‌آموزی، تشویق و ترغیب به فراگیری آن نموده، حتی با رفتن به دورترین نقطه جهان (اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ؛ شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۷)، آیات زیادی از قرآن کریم نیز به این مهم اشاره دارند (بقره/۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۳۱-۳۰؛ آل‌عمران/۱۸؛ انعام/۱۰۵؛ نمل/۱۵؛ زمر/۹).

مسلمانان طی چند قرن گذشته پرچم‌دار و طلایه‌دار علوم در کل جهان بودند (جعفری، مسلمانان در بستر تاریخ، ۱۳۷۱: ۱۱؛ همان: ۲۳۲-۱۲۹). غربی‌ها با استفاده از ترجمه منابع علمی مسلمانان به بهترین نحو از علوم مسلمانان بهره‌مند شدند (سخنرانی: ۱۳۷۷/۱۰/۲۴)؛ و با پیشرفت چشم‌گیرشان گوی سبقت را از مسلمین ربودند (لوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ۱۳۷۸: ۷۰۷-۷۰۵، گلی زواره، جغرافیای جهان اسلام، ۱۳۸۵: ۵۱-۵۰). این مسئله ثابت شده است که دین اسلام، نه تنها طرفدار جمود و یک‌نواختی و مخالف پیشرفت زمان نیست؛ بلکه خالق تمدن عظیمی در کل عالم است که غربی‌ها خودشان به آن اذعان داشته و اعتراف می‌کنند که «تمدنی شگفت‌انگیزتر از تمدن اسلامی وجود ندارد.» (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۳: ۵۵/۲۱). با توجه به نکات بیان شده، ولی همچنان

امروز هم عده‌ای هنوز به خاطر عدم دست‌یابی به عمق عظمت و شکوه اسلام و یا از روی بغض و کینه، دین اسلام را متهم به تحجرگرایی، بی‌سوادی، متعلق به قرون گذشته و ناکارآمد برای نیازهای امروز بشری می‌دانند. انجام این مهم (رفع اتهام تحجر و...) از طریق علوم انسانی اسلامی امکان‌پذیر است (سخنرانی: ۱۳۸۴/۱۰/۲۹؛ همچنین مورخ: ۱۳۷۶/۱۱/۹).

### بایستگی‌های مبنایی در تحول در علوم انسانی

از مهمترین مسائل ناظر به تولید علوم انسانی اسلامی، کیفیت تأسیس آن است. میان متفکران اسلامی در این زمینه وحدت نظر نیست. عده‌ای از اساس با آن مخالفند. موافقان هم رویکردهای یکسانی در این بحث ندارند. در این مجال صرفاً به نظر مقام معظم رهبری اشاره می‌کنیم که ایشان از موافقان علوم انسانی اسلامی از نوع تأسیسی آن به شمار می‌روند. از منظر معظم‌له، علوم انسانی موجود در کشور، نه تنها غیر بومی بوده؛ بلکه بر پایه فلسفه، و معارف ما نیز بنا نشده و از حل مشکلات جامعه ما ناتوان است (سخنرانی: ۱۳۸۹/۶/۱۴)؛ چراکه ضمن غیر بومی بودن، مبتنی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی غربی است (سخنرانی: ۱۳۸۸/۷/۲۸). علوم انسانی غرب نیز ناظر به جامعه و انسان غربی و منطبق بر نیازها و خواسته‌های خودشان بوده و برای تأمین نیازهای جامعه ما فاقد کارایی است (سخنرانی: ۱۳۸۹/۶/۱۴). در حالی که علوم انسانی مورد نیاز کشور ما، علوم مبتنی بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی است؛ زیرا در جهان‌بینی اسلامی یکی از اهداف مهم آفرینش انسان، وصول به سعادت و تکامل انسانی است. این مهم نیاز به شناخت صحیح دارد که از راه دین ممکن و میسر می‌شود (سخنرانی: ۱۳۷۵/۷/۱۸).

### نقش مسئله جامعیت دین در تأسیس علوم انسانی اسلامی

رکن کلیدی در تحول علوم انسانی ناظر به مسئله جامعیت دینی است. این امر به مسئله مهمتری با عنوان قلمرو دین ارتباط پیدا می‌کند. درباره قلمرو دین سه رویکرد دنیاگرایانه، عقبی‌گرایانه و جامع‌نگر مطرح هستند (فرامرز قراملکی، مبانی کلامی جهت‌گیری دعوت انبیاء، ۱۳۷۶: ۲۲؛ همو، قلمرو پیام پیامبران، ۱۳۸۵: ۱۳). رویکرد اخیر همان نگاهی است که مقام معظم رهبری از آن دفاع می‌کنند. «متفکران جامع‌نگر معتقدند، آنچه مورد خطاب وحی و نبوت قرار می‌گیرد، حیات آدمی است و حیات آدمی با وجود گستردگی، تجزیه‌پذیر نیست؛ لذا دین نمی‌تواند از جنبه‌ای غافل شود و به جنبه دیگر بپردازد.» (همو، مبانی کلامی جهت‌گیری دعوت انبیاء، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

کسانی می‌توانند از امکان و تأسیس علوم انسانی اسلامی سخن گویند که به جامعیت دین باور داشته باشند. از این رو این امر بومی در مسئله تحول علوم انسانی نقش جدی دارد. متفکر دینی خیره، اهل تعمق و نواندیش، می‌تواند با استفاده از جامعیت دین و حضور و دخالت آن در عرصه‌های مختلف علوم انسانی همچون: فقه، جامعه‌شناسی، سیاست و... به تصحیح آن‌ها پرداخته و هر کدام از گزاره‌های علمی که قابلیت اصلاح داشته به اصلاح آن همت نماید. به این نحو که براساس بینش اسلامی قیودی را در صورت نیاز، به آن اضافه و یا از آن کم کند. در غیر این صورت هر آن‌چه که به‌دور از این قانون بوده را از چرخه استفاده خارج نماید. سرانجام پس از تصحیح گزاره‌های علمی، علوم انسانی‌ای را تولید نماید که تمام مباحث ضروری مربوط به حیات بشری همچون مؤلفه‌های مهم فلسفه ضرورت دین و سایر امور زندگی انسان مانند: مباحث اقتصادی، سیاسی، نحوه اداره حکومت (سخنرانی: ۱۳۸۷/۳/۱۴)، جامعه‌سازی، تمدن‌سازی و... را به بهترین نحو و شیواترین کلام تبیین نماید و جهت ارائه در اختیار بشر قرار دهد (سخنرانی: ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

اساساً نمی‌توان محتوای قرآن و دین را فقط ناظر بر مسائل معنوی و اخروی و صرفاً در راستای تأمین حیات اخروی او دانست؛ درحالی‌که اساسی‌ترین و بدیهی‌ترین معیار و ملاک جامعیت، فراگیری و شمولیت نسبت به تمامی نیازهای بشری است؛ یعنی هم بعد معنوی و هم بعد مادی، هم دنیا و هم آخرت. هرچندکه دنیا بذاته وفی نفسه اولاً و بالذات مقصود و مطلوب شارع نیست، بلکه دنیا و ما فیها وسیله، زمینه و فرصتی مناسب برای تأمین حیات اخروی و تقرب جستن به ذات احدیت و طی مراتب کمال انسانی است چراکه: «الدنیا مزرعه الآخرة.» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۷۹: ۲۲۵/۷)؛ ولی بدون توجه دقیق به همین دنیا و زمینه‌های مادی و مورد نیاز فطری بشر نمی‌توان به سعادت اخروی او نائل شد و زمینه را برای رشد و تعالی او فراهم نمود. تعالیم الهی در قرآن دربردارنده یک برنامه کامل برای رشد و تکامل و تعالی بشر در تمامی زمینه‌ها یعنی هم در دنیا و عرصه مادیات و هم در آخرت و تأمین معیشت اخروی و کمال روحی و معنوی که خود یکی از نیازهای گم‌گشته و فطری بشری است، می‌داند (مطهری، وحی و نبوت، ۱۳۶۲: ۲۴۱).

### تأسیس علوم انسانی قرآن بنیان

همان‌گونه که اشاره شد، دین و مبانی دینی نقش مهمی در تحول علوم انسانی دارد. اگر نوع نگاه و بینش مادی عالمان در مسائل علمی اثرگذار است، بالطبع نگاههای الهی و فرامادی نیز اثرگذار خواهد بود. در طرح مسئله به اختلاف این امر در میان متفکران غربی اشاره شد و بیان داشتیم که امروزه مسئله

تأثیر ارزش‌ها بر دانش امری مسلم در میان عالمان است.

اگر از مبانی دینی در علم سخن به میان می‌آید، قطعاً منابع و مصادر دینی هم مطرح خواهند بود؛ بنابراین مسئله قرآن‌محوری تحول علوم انسانی نیز نکته مهمی است. ممکن است برخی از علوم انسانی اسلامی یاد کنند؛ اما چندان نقشی برای قرآن قائل نباشند؛ اما در اندیشه مقام معظم رهبری علوم انسانی باید بر قرآن تکیه داشته باشد. دین به‌خاطر جامعیتش (حسینی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲: ۳۸۳؛ سخنرانی: ۱۳۷۸/۱۱/۲۶؛ ۱۳۸۰/۱۱/۳۰؛ ۱۳۷۲/۶/۱۴)؛ مجموعه کاملی از اصول و مقررات زندگی اجتماعی و حاوی دستورالعمل‌های حیات سعادت‌مندانه و زندگی توأم با عزت است که از جانب خدا برای انسان‌سازی و بیان چگونگی تنظیم امور زندگی در دنیا نازل شده است. بر همین اساس، معظم‌له یکی از بایستگی‌های تولید علوم انسانی را استفاده از آموزه‌های قرآنی می‌داند. زیرا علوم انسانی ارتباط کامل با انسان دارد و ابعاد وجودی، فردی و اجتماعی وی را مورد بررسی قرار می‌دهد. قرآن کریم نیز، به عنوان پیام الهی با عهده‌دار شدن راهنمایی انسان، در تمام ابعاد و زوایای زندگی، بهترین منبع انسان‌شناسی و منبع اصلی علوم انسانی اسلامی به شمار می‌رود.

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تربیت انسان صالح از دغدغه‌های مهم و اهداف مشترک بین علوم انسانی (سخنرانی: ۱۳۷۶/۶/۲۶؛ ۱۳۸۹/۷/۲۹)؛ انقلاب و نظام اسلامی (سخنرانی: ۱۳۷۰/۹/۲)؛ و دین اسلام به شمار می‌رود (سخنرانی: ۱۳۸۳/۶/۲۵). علوم انسانی برخاسته از قرآن مدیران شایسته‌ای را تربیت می‌کند که در آینده با در اختیار گرفتن اداره کشور در عرصه‌های مختلفی همچون تعلیم و تربیت (سخنرانی: ۱۳۸۹/۸/۲)؛ سیاست، اقتصاد و... نه تنها جامعه را از مسیر دین خارج نمی‌سازند؛ بلکه براساس مبانی دینی اداره می‌کنند (سخنرانی: ۱۳۸۹/۷/۲۹)؛ چراکه اسلام و آموزه‌های بلند آن به‌خاطر دارا بودن غنای معارف الهی می‌تواند انسانی متعهد تربیت کنند که علم را هیچ‌وقت و تحت هیچ شرایطی در مسیر ناصحیح از جمله: برای قتل، زورگویی و استثمار ملت‌ها و جوامع عالم به‌کار نگیرد (سخنرانی: ۱۳۸۶/۴/۲۵)؛ بلکه آن را در راه مقدس و برای هدفی مقدس به‌کار گرفته و به استخدام و خدمت فضائل و اخلاق درآورد (سخنرانی: ۱۳۸۶/۶/۱۲).

### بایستگی‌های روشی در تأسیس علوم انسانی قرآن‌بنیان

برای رسیدن به تحول یادشده و تأسیس علوم انسانی قرآن‌بنیان علاوه بر بایستگی‌های مبنایی باید به امور ناظر به حوزه روش نیز توجه داشت. از جهات روشی مقام معظم رهبری اموری را مطرح می‌کنند

که به مهم ترین آنها در ادامه اشاره خواهد شد.

### توجه به عنصر اجتهاد

تأسیس علوم انسانی قرآن بنیان مبتنی بر روش اجتهادی یکی از رویکردهای رایج در میان نخبگان کشور است (از مدافعان جدی رویکرد اجتهادی در تأسیس علم دینی می توان به این افراد اشاره کرد: جوادی آملی در دو کتاب: منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، و کتاب شریعت در آینه معرفت؛ مصباح یزدی در کتاب رابطه علم و دین؛ عابدی شاهرودی در مقاله «نظریه اجتهاد دینی فراگری»؛ خسروپناه در کتاب در جستجوی علوم انسانی و کتاب روش شناسی علوم اجتهادی؛ بستان در کتاب گامی به سوی علم دینی و کتاب نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی؛ حسنی و علی پور در کتاب پارادایم اجتهاد دانش دینی). اجتهاد (سخنرانی: ۱۳۹۰/۵/۱۹؛ ۱۳۸۵/۷/۱۳؛ ۱۳۷۹/۱۲/۹)؛ و صدور نظریه بدون تقلید از غرب، براساس تعالیم اسلام و فرهنگ دینی از نیازمندی های مهم و اصلی ترین مراحل تولید علوم انسانی اسلامی به شمار می آید (سخنرانی: ۱۳۸۷/۲/۱۴)؛ زیرا بسیاری از اتفاقات و حوادث دنیا در عصر حاضر، در زمینه های گوناگون از دیدگاه های نظریه پردازان در شاخه های مختلف علوم انسانی همچون: جامعه شناسی، روان شناسی، فلسفه و... حاصل می شود (سخنرانی: ۱۳۸۷/۲/۱۴). دین که از جامعیت کامل برخوردار است می تواند با تولید نظریه های محکم و استوار مبتنی بر عقلانیت و استدلال، در زمینه های گوناگون علمی ما را از نظریات دیگران بی نیاز نموده و اتهام تحجر و بی سوادی را از خود برطرف کند (سخنرانی: ۱۳۸۷/۲/۱۴)؛ و نیز مورخ: ۱۳۸۰/۱۱/۳۰).

بدون روش اجتهادی امکان تحول در حوزه علوم انسانی وجود ندارد. جامعیت دین که نقش مبنایی در تحول دارد، با رویکرد اجتهادی محقق خواهد شد: « شیوه فهم معارف احکام از کتاب و سنت، که چگونه و با چه ابزاری مطلب را بفهمیم، شیوه فقاها نام دارد. این شیوه (فقاها)، شیوه بسیار رسایی است و این منبع عظیمی که در اختیار ماست یعنی کتاب و سنت و - دستاوردهای فکری گذشتگان مواد اولیه آن است. با این شیوه و در این قالبها می شود تمامی نیازهای بشر را استخراج کرد و در اختیار بشریت گمراه گذاشت. امروز ما خیلی احتیاج داریم که از این شیوه استفاده بهینه کنیم.» (سخنرانی: ۱۳۷۰/۱۲/۱). اگرچه قرآن به صراحت از روش اجتهادی سخن نمی گوید؛ اما تفقه در دین در آیه نفر (توبه/۱۲۲) بیانگر آن است که فهم عمیق در دین نیازمند اصول و ضوابطی مشخصی است.





## دوری از تحجر علمی

یکی از مهم‌ترین شرایط تولید علم و نواندیشی علمی، عدم تعصب و جمود محقق و پژوهش‌گر بر نظریه گذشتگان است تا شرایط تحقیق علمی بدون جمود و تعصب در شرایط و فضایی باز را برایش فراهم کند؛ چراکه اگر عالم و دانش‌وری علمی را که کسب می‌کند به‌عنوان یک مسئله خدشه‌ناپذیر بداند، نه جرئت طرح دیدگاه جدید و نو در زمینه علمی را پیدا می‌کند و نه اینکه ایده و نظریات جدید علمی را از دیگران می‌پذیرد هرچند که این دیدگاه نو همراه با استدلال و منطق دقیق باشد (جمالی و دیگران، نهضت نرم‌افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷: ۱۱۸).

از منظر رهبر انقلاب: «یکی از وظایف مهم دانشگاه‌ها عبارت است از نواندیشی علمی... معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست... باید جرئت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیر جزمی‌گری تعریف‌های علمی القاء شده و دائمی دانستن آن‌ها خلاص شوند.» (سخنرانی: ۱۳۷۹/۱۲/۹) دیدگاه رهبر انقلاب برگرفته از آیات قرآنی در این زمینه است. آیه «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسرا/۳۶) بیانگر دوری از اموری است که نشأت گرفته از علم نیست (سخنرانی: ۱۳۹۱/۵/۱۶) تحجر در واقع عمل به غیر علم است. معنای یادشده در قرآن کریم هم برای مشرکان و منکران حقایق به کار رفته است. افرادی که از حقایق روی برتافته و قلوبشان همچون سنگ گشته و به هیچ وجه زیر بار پذیرش حق نمی‌روند: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» (بقره/۷۴)؛ به تعبیر یکی از مفسران، قرآن کریم از دلی که حرکت نکند و اهل نظر و اندیشه الهی نباشد با تعبیر «متحجر» و «لاهی» یاد می‌کند (جوادی آملی، تفسیر موضوعی، مراحل اخلاق در قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۲۷۵).

## خطرپذیری و شجاعت علمی

نواندیشی علمی و دوری از جمودگرایی، همان‌گونه که نیازمند ساختارشکنی و معلومات گسترده است، جرئت و شهامت علمی نیز از لوازم آن است. «برای نوآوری علمی که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرئت علمی...» (سخنرانی: ۱۳۷۹/۱۲/۹)؛ شجاعت علمی برای تحول علوم و از جمله علوم انسانی شرط ضروری است (سخنرانی: ۱۳۸۵/۷/۱۳)؛ «قدرت علمی» بدون «جرئت علمی» موجب حرکت کاروان علم و پیشرفت علمی جامعه نمی‌شود؛ بنابراین برای پیشرفت علمی کشور، «قدرت علمی» باید توأم با



«جرت علمی» (سخنرانی: ۱۳۷۹/۱۲/۹) و خطرپذیری باشد. ترس از عدم موفقیت نباید مانع از ورود کسی به عرصه‌های مختلف علمی بشود؛ چراکه این جرت و گستاخی و نهراسیدن از عدم موفقیت، عامل بسیار مهم موفقیت ما در زمینه‌های مهم علمی می‌تواند باشد (سخنرانی: ۱۳۸۶/۶/۲۵؛ ۱۳۸۸/۲/۲۷). آیات فراوان قرآنی درباره علم و بیان حقایق از سوی پیامبران به همراه شجاعت بیانگر همین نکته است. داستان مواجهه حضرت ابراهیم با مشرکان و محاجه وی با آنان (انعام/۷۹-۷۵) دقیقاً به معنای خطرپذیری و شجاعت علمی است. همین امر در آیه ۵۴ از سوره حج به گونه دیگری بیان می‌شود: «وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ» از پیامهای مهم این کریمه آن است که علم به انسان قدرت تشخیص حق از باطل را بدهد (مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۳۹/۱۴)؛ و با نرمی و تواضعی که در عالمان پیدا می‌شود، حقایق پنهان نمانده و حق را بیان می‌دارند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۹۰: ۱۰/۱۹۳).

#### انجام پژوهش‌های علمی هدف‌دار

انجام پژوهش‌های هدف‌دار و مورد نیاز کشور از موارد دیگری است که رهبر انقلاب به‌عنوان بایسته‌های روشی تحول علوم انسانی بر آن تأکید می‌نمایند. ایشان تنها راه دست‌یابی کشور به نقطه پیشرفت مطلوب، را گسترش دانش و پژوهش در راستای تحقق نیازهای اساسی کشور می‌دانند (سخنرانی: ۱۳۸۶/۴/۲۵).

از نگاه ایشان تحقیق و پژوهش در کشور، نیاز به دقت و اهتمام زیادی دارند (سخنرانی: ۱۳۸۵/۷/۱۳)؛ و همچنین مسأله مدیریت تحقیقات، جزء کارهای بسیار اساسی است که باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد (سخنرانی: ۱۳۸۵/۸/۸). به این نحو که تحقیقات را با توجه به نیازهای حال و آینده کشور، هدف‌دار کنیم (سخنرانی: ۱۳۹۴/۸/۲۰)؛ یعنی پس از شناسایی نیازهای اساسی کشور تحقیقات و پژوهش‌ها را به همان سمت سوق دهیم و پژوهش‌های بی‌طرف را از دایره کار خارج کنیم (سخنرانی: ۱۳۹۷/۳/۲۰). بایستگی مذکور از آیات متعدد قرآنی قابل اصطیاد است. اصل هدفمندی امر را می‌توان از آیه ۳۸ سوره دخان «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ: و آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم» استفاده کرد. علامه طباطبایی در المیزان درباره دوری از لعب بیان می‌دارند: «لعب به معنای کاری است که از روی خیال انجام شود و هدف و نتیجه‌اش خیالی باشد.» و لهُو هم به معنای هر چیزی است که انسان را از کار مهم و ضروری‌اش باز دارد (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۹۰: ۸/۱۳۴). بر این اساس می‌توان از آیات الهی استفاده کرد که



پژوهشهای بی‌هدف مصداق لهُو و لعب خواهد بود، زیرا آدمی را از کار مهم دور می‌دارند.

## نتیجه

در بیانیه گام دوم تأکید شده است که انقلاب اسلامی در مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار دارد. در این مرحله مبتنی بر مبانی الهیاتی متخذ از کتاب و سنت و مبانی معرفت‌شناختی به جامعه‌پردازی پرداخته می‌شود. این امر بدون توجه به علوم انسانی امکان‌پذیر نیست؛ اما کدام علوم انسانی؟ آیا آنچه در غرب مطرح است، یا تحول بنیادین در آن و تأسیس علوم انسانی متناسب با نیازهای کشور؟ رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم از ویژگی‌های پیشرفت انقلاب را آزادی علمی بیان می‌کنند. این آزادی در عرصه علوم انسانی، تغییر جدی در مبانی علوم انسانی است. تولید علوم انسانی اسلامی از ضروریات جامعه و نظام اسلامی بوده که عدم توجه به آن جبران‌ناپذیر خواهد بود.

بیان شد محتوای علوم انسانی موجود، ماهیتی معارض و مخالف با اسلام دارد. برای رسیدن به خودکفایی و استقلال علمی کشور مسئله تحول امری ضروری می‌نماید. تولید و تأسیس علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و معارف دینی در علوم انسانی ناظر به کیفیت تحقق تحول علوم انسانی در تراز تمدن نوین اسلامی بود که به تفصیل از آن بحض شد. یکی از نقش‌های برجسته دین در علوم انسانی را می‌توان تکمیل خلأهای موجود و غنی‌سازی آن توسط آموزه‌های ناب الهی به شمار آورد؛ و این نکته به معنای استفاده مناسب از علوم موجود غربی است؛ بنابراین در تمدن نوین اسلامی وقتی سخن از تحول بنیادین علوم انسانی می‌شود، به معنای نادیده انگاشتن نکات مثبت اندیشه‌های غربی نیست.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، قم: بیدرا، ۱۳۶۹ ق.
۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تفسیر غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۱ ق.
۴. اتکینسون، آر.اف، درآمدی به فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۶. آیر، ا.ج، زبان، حقیقت و منطق، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران: دانشگاه صنعتی شریف، بی تا.
۷. باقری، خسرو، هویت علم دینی: نگاهی معرفت شناختی به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
۸. —، تحول در علوم انسانی؛ مندرج در: مجموعه مقالات تحول در علوم انسانی، قم: انتشارات کتاب فردا، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۹. بحرانی، هاشم به سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. بستان، حسین، و دیگران، گامی به سوی علم دینی ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۱۱. پارسانیا، حمید، علم و فلسفه، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۲. —، سنت، ایدئولوژی، علم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۳. —، تحول در علوم انسانی؛ مندرج در: مجموعه مقالات تحول در علوم انسانی، قم: انتشارات کتاب فردا، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۴. —، جهان های اجتماعی، قم: انتشارات کتاب فردا، چ ۲، ۱۳۹۲.
۱۵. پایا، علی، «دشواری های سخن گفتن از مفهوم علم دینی»، اخبار ادیان، ش ۲۴ و ۲۵، ص ۶۹-۶۰، ۱۳۸۶.
۱۶. جعفری، محمدتقی، علم ودین در حیات معقول، علم و دین در حیات معقول، تهران، مؤسسه تدوین نشر و آثار علامه جعفری، چاپ ۵، ۱۳۸۹.



۱۷. جعفری، یعقوب، مسلمانان در بستر تاریخ، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۸. جمالی، مصطفی، و دیگران، نهضت نرم‌افزاری از نگاه مقام معظم رهبری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۹. جمعی از نویسندگان، علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۱.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۲۱. —، شریعت در آئینه معرفت، تنظیم حمید پارسانیا، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۲۲. —، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تنظیم احمد واعظی، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۲۳. —، تفسیر موضوعی، مراحل اخلاق در قرآن کریم، قم: اسراء، ۱۳۸۷.
۲۴. جوادی، محسن، مسئله باید و هست، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۱۳۷۵.
۲۵. چالمرز، آلن ف، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۲۶. حائری شیرازی، محی‌الدین، «اسلامی‌سازی علوم انسانی تنگه‌احدی برای جمهوری اسلامی»، مندرج در: مبانی فلسفی علوم انسانی، جمعی از نویسندگان، ج ۲، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۲۷. حائری یزدی، مهدی، کاوش‌های عقل عملی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱.
۲۸. حسنی، سید حمیدرضا، و همکاران، علم دینی، دیدگاه‌ها و ملاحظات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
۲۹. —، علیپور، مهدی، پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۳۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی، گردآوری و تنظیم کمیته فرهنگی، چاپ اول، قم: مؤسسه جهادی صهبا، ۱۳۹۲.
۳۱. حویزی، عبد علی به جمعه، نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۳۲. خسروپناه، عبدالحسین، مقاله «چیستی فلسفه علوم انسانی»، فصلنامه آینه معرفت، شماره ۳۱، ۱۳۹۱.
۳۳. —، تحول در علوم انسانی؛ مندرج در: مجموعه مقالات تحول در علوم انسانی، قم:

- انتشارات کتاب فردا، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۳۴. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۵. راین، آلن، فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط، ۱۳۷۰.
۳۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۲.
۳۷. ساجدی، ابوالفضل، «اسلامی سازی علوم انسانی، آسیب‌ها»، مندرج در: مبانی فلسفی علوم انسانی، جمعی از نویسندگان، ج ۲، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۳۸. سایت khamenei.ir.
۳۹. سروش، عبدالکریم، دانش و ارزش، تهران: انتشارات یاران، چاپ هشتم، ۱۳۶۱.
۴۰. — علم چیست، فلسفه چیست؟ تهران: انتشارات صراط، ۱۳۷۵.
۴۱. — «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم» مندرج در: علم دینی دیدگاه‌ها و ملاحظات، به کوشش حمیدرضا حسینی و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۴۲. — تفرج صنع (گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی، تهران: انتشارات صراط، ۱۳۸۸.
۴۳. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحرالعلوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۴۴. سوزنجی، حسین، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۴۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۶. شریفی، احمدحسین، مبانی علوم انسانی اسلامی، تهران: انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۹۳.
۴۷. — روش شناسی علوم انسانی اسلامی، تهران: انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۹۵.
۴۸. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۴۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.



۵۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم: بیدار، چاپ دوم، ۱۳۶۱.
۵۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۵۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر، اردن: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۵۴. طوسی، محمد بین حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۵. عابدی شاهرودی، علی، «نظریه اجتهاد دینی فراگیر»، مندرج در: جایگاه‌شناسی علم اصول، بی جا، بی تا، ۱۳۸۵.
۵۶. فرامرز قراملکی، احد، مبانی کلامی جهت گیری دعوت انبیاء، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶.
۵۷. —، قلمرو پیام پیامبران، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵.
۵۸. فروند، ژولین، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۵۹. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر صافی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۶۰. گلی زواره، غلامرضا، جغرافیای جهان اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
۶۱. لازمی، جان، درآمدی تاریخی به فلسفه علم، ترجمه علی پایا، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
۶۲. لاکاتوش، ایمره، علم و شبه علم؛ دیدگاه‌ها و برهان‌ها: مقاله‌هایی در فلسفه علم و فلسفه ریاضی، گردآوری و ترجمه شاپور اعتماد، تهران: نشر مرکزی، ۱۳۷۵.
۶۳. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی رسولی، بی جا: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۸.
۶۴. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۹.
۶۵. مصباح یزدی، محمد تقی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.



۶۶. — رابطۀ علم و دین، تحقیق و نگارش علی مصباح، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ پنجم، ۱۳۹۷.
۶۷. مصباح، علی، فلسفه علوم انسانی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷.
۶۸. مطهری، مرتضی، وحی و نبوت، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۲.
۶۹. —، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.
۷۰. —، تربیت و رشد اسلامی، تهران: انتشارات بینش مطهر، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۷۱. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱.
۷۳. موحد ابطحی، سید محمدتقی، تحلیلی بر اندیشه‌های علم دینی در جهان اسلام، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۵.
۷۴. میرباقری، سید محمدمهدی، گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، قم: انتشارات فجر ولایت، ۱۳۸۹.
۷۵. نرم‌افزار حدیث ولایت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ۱۳۹۵.
۷۶. هیوم، دیوید، تحقیق در مبادی اخلاق، ترجمه رضا نقیبان ورزنده، تهران: گویا، ۱۳۷۷.
۷۷. وبر، ماکس، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس، ۱۳۸۲.





## References

۱. Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. A Group of Writers, Humanities, Islam and the Cultural Revolution, Tehran, Jihad Daneshgahi Publications, ۱۹۸۲.
۳. Abidi Shahroudi, Ali, "Theory of Comprehensive Religious Ijtihad", in: The Statistics of the Science of Principles, N.p.: n.p., ۲۰۰۶.
۴. Alusi, Mahmoud bin Abdullah, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran wa al-Saba al-Muthani (The Spirit of Meanings in the Quranic Exegesis and Surah al-Hamd), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۱۵ AH.
۵. Atkinson, R.F., An Introduction to the Philosophy of Ethics, Translated by Suhrab Alavinia, Tehran: Book Translation and Publishing Center, ۱۹۹۰.
۶. Ayer, A.J., Language, Truth and Logic, Translated by Manouchehr Bozorgmehr, Tehran: Sharif University of Technology, n.d.
۷. Bahrani, Hashim to Suleiman, Al-Burhan fi Tafsir al-Quran (A Demonstration in Quranic Exegesis), Qom: Al-Be'athah Institute, ۱۴۱۵ AH.
۸. Baqiri, Khosrow, An Evolution in the Humanities; Contained in: Collection of Articles on Transformation in the Humanities, Qom: Farda Book Publishing, ۲nd Edition, ۲۰۱۳.
۹. Baqiri, Khosrow, The Identity of Religious Science: An Epistemological Look at the Relationship between Religion and the Humanities, Tehran: Ministry of Culture, Ministry of Culture and Islamic Guidance, ۲۰۰۳.
۱۰. Bustan, Hossein, et al., A Step Towards Religious Science ۱, Qom: Research Institute of Hawzeh / Seminary and University, ۲۰۰۵.
۱۱. Chalmers, Allen F. What is science? An Introduction to the Schools of Philosophical Science, Translated by Saeed Zibakalam, Tehran, Scientific and Cultural Publications, ۱۹۹۵.
۱۲. Faramurz Qaramaleki, Ahad, The Realm of the Message of the Prophets, Tehran: Young Thought Center (Canon Andisheh Jawan), ۲۰۰۶.



۱۳. Faramurz Qaramaleki, Ahad, Theological Principles of the Orientation of the Invitation of the Prophets, Tehran: Research Institute of Culture and Islamic Thought, ۱۹۹۷.
۱۴. Fayz Kashani, Muhammad bin Shah Morteza, Tafsir Safi, Tehran: Maktabah al-Sadr, ۲nd Edition, ۱۴۱۵ AH.
۱۵. Freund, Julien, Theories Related to Humanities, Translated by Ali Muhammad Kardan, Tehran: Markaz Nashr Danishgahi (IUP) [Institute of University Press], ۱۹۹۳.
۱۶. Goli Zavareh, Ghulamreza, Geography of the Islamic World, Qom: Imam Khomeini Research and Educational Institute Publications, ۲۰۰۶.
۱۷. Hadith Wilayat Software, Noor Computer Research Center of Islamic Sciences, ۲۰۱۶.
۱۸. Hairi Shirazi, Mohyiddin, "Islamization of the Humanities in the Strait of Uhd for the Islamic Republic", in: Philosophical Foundations of the Humanities, A Group of Authors, Vol. ۲, Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute, ۲۰۱۲.
۱۹. Hairi Yazdi, Mehdi, Explorations of Practical Reason, Tehran, Institute of Cultural Studies and Research, ۱۹۸۲.
۲۰. Hassani, Seyyed Hamidreza, Alipour, Mehdi, Ijtihadi Paradigm of Religious Science "Pad", Qom: Research Institute of Hawzeh Seminary and University, ۳rd Edition, ۲۰۱۵.
۲۱. Hassani, Seyyed Hamidreza, et al., Religious Science, Perspectives and Considerations, Qom: Research Institute of Hawzeh Seminary and University, ۵th Edition, ۲۰۱۱.
۲۲. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali, Outline of Islamic Thought, Compiled and Organized by the Cultural Committee, ۱st Edition, Qom: Sahba Jihadi Institute, ۲۰۱۳.
۲۳. Hovaizi, Abdul Ali bin Juma'h, Noor al-Thaqalain, Qom: Ismailian, ۴th Edition, ۱۴۱۵ AH.



۲۴. Hume, David, Research on the Principles of Ethics, Translated by Reza Taqiyyan Varzaneh, Tehran: Gya, ۱۹۹۸.
۲۵. Ibn Qutaybah, Abdullah bin Muslim, Tafsir Gharib Al-Quran, Beirut: Dar wa Maktab al-Hilal, ۱۴۱۱ AH.
۲۶. Ibn Shahr Ashob, Muhammadbin Ali, Mutashabih al-Quran wa Mukhtalifuh (The Difficult and Disputed Verses of the Quran), Qom: Bidar, ۱۳۶۹ AH.
۲۷. Jafari, Muhammad Taqi, Science and Religion in Reasonable World, Tehran: Allama Jafari's Works Publishing and Editing Institute, ۲th Edition, ۲۰۱۰.
۲۸. Jafari, Ya'qub, Muslims in the Context of History, Tehran: Islamic Culture Publishing House, ۱۹۹۲.
۲۹. Jamali, Mustafa et al., The Software Movement from the Perspective of the Supreme Leader, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, ۲۰۰۸.
۳۰. Javadi Amoli, Abdullah, Sharia in the Mirror of Cognition, Edited by Hamid Parsania, Qom: Esra, ۲۰۰۷.
۳۱. Javadi Amoli, Abdullah, The Identity and Personality of Human-being in the Quran, Qom: Esra Publishing, ۲nd Edition, ۲۰۰۲.
۳۲. Javadi Amoli, Abdullah, The Status of Reason in the Geometry of Religious Cognition, Edited by Ahmad Vaezi, Qom: Esra, ۲۰۰۷.
۳۳. Javadi Amoli, Abdullah, Thematic Interpretation: Stages of Ethics in the Holy Quran, Qom: Esra, ۲۰۰۸.
۳۴. Javadi, Mohsin, The Problem Ought and Be, Qom: Qom Seminary Islamic Preaching Office: ۱۹۹۶.
۳۵. Khosropanah, Abdolhossein, "What is the Philosophy of the Humanities", Quarterly Journal of the Ayeneh Ma'refat, No. ۳۱, ۲۰۱۲.
۳۶. Khosropanah, Abdolhossein, An Evolution in the Humanities; Contained in: Collection of Articles on Transformation in the Humanities, Qom: Farda Book Publishing, ۲nd Edition, ۲۰۱۳.
۳۷. Lakatos, Imre, Science and Pseudo-Science; Perspectives and Arguments: Articles in Philosophy of Science and Philosophy of Mathematics, Compiled and Translated by Shapour I'timad, Tehran: Markazi Publishing, ۱۹۹۶.



۳۸. Le Bon, Gustave, History of Islamic and Arab Civilization, Translated by Seyyed Hashim Hosseini Rasouli, N.p.: Ketabchi Publications, ۱۹۹۹.
۳۹. Losee, John, A Historical Introduction to the Philosophy of Science, Translated by Ali Paya, Tehran: Markaz Nashr Danishgahi (IUP) [Institute of University Press], ۱۹۸۳.
۴۰. Majlisi, Muhammad Taqi, Bihar al-Anwar (The Oceans of Lights), Tehran: Islamiyyah, ۲۰۰۰.
۴۱. Makarem Shirazi, Naser et al., Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۰th Edition, ۱۹۹۲.
۴۲. Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi, Prerequisites of Islamic Management, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, ۲۰۰۶.
۴۳. Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi, The Relationship between Science and Religion, Researched and Written by Ali Mesbah, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, ۵th Edition, ۲۰۱۸.
۴۴. Mesbah, Ali, Philosophy of Humanities, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, ۲۰۱۶.
۴۵. Mirbaqiri, Seyyed Muhammad Mehdi, Discourses on Transformation in the Humanities, Qom: Fajr Wilayat Publications, ۲۰۱۰.
۴۶. Motahhari, Morteza, Collection of Works, Tehran: Sadra Publications, ۸th Edition, ۲۰۰۴.
۴۷. Motahhari, Morteza, Islamic Pedagogy and Growth, Tehran: Binish Motahhar Publications, ۲nd Edition, ۲۰۱۴.
۴۸. Motahhari, Morteza, Revelation and Prophecy, Tehran: Sadra Publications, ۱۹۸۳.
۴۹. Movahhid Abtahi, Seyyed Muhammad Taqi, An Analysis of the Thoughts of Religious Science in the Islamic World, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publication Center, ۲۰۱۶.
۵۰. Muqatil bin Sulaiman, Tafsir Muqatil, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۳ AH.

۵۱. Parsania, Hamid, An Evolution in the Humanities; Contained in: Collection of Articles on Transformation in the Humanities, Qom: Farda Book Publishing, ۲nd Edition, ۲۰۱۳.
۵۲. Parsania, Hamid, Science and Philosophy, Tehran: Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought, ۲۰۰۴.
۵۳. Parsania, Hamid, Social Worlds, Qom: Ketab-e-Farda Publications, ۲nd Edition, ۲۰۱۳.
۵۴. Parsania, Hamid, Tradition, Ideology, Science, Qom: Bustan e Ketab Institute, ۲۰۰۶.
۵۵. Paya, Ali, "Difficulties of Speaking about the Concept of Religious Science", Religious News, Series No. ۲۴ and ۲۵, pp. ۶۰-۶۰, ۲۰۰۷.
۵۶. Razi, Fakhrudin Muhammad bin Umar, Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۳rd Edition, ۱۴۲۰ AH.
۵۷. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, The Logic of Quran Interpretation, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center, ۲۰۱۳.
۵۸. Ryan, Alan, Philosophy of Social Sciences, Translated by Abdolkarim Soroush, Tehran: Serat, ۱۹۹۱.
۵۹. Sadiqi Tehrani, Muhammad, Al-Furqan fi Tafsir Al-Quran by Quran and Sunnah, Qom: Islamic Culture, ۲nd Edition, ۱۴۰۶ AH.
۶۰. Sadra al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim, Tafsir al-Quran al-Karim, Qom: Bidar, ۲nd Edition, ۱۹۸۲.
۶۱. Sajidi, Abolfazl, "Islamization of Humanities, Difficulties", in: Philosophical Foundations of Humanities, A Group of Authors, Vol. ۲, Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute, ۲۰۱۲.
۶۲. Samarkandi, Nasr bin Muhammad, Tafsir al-Samarkandi Known as Bahr al-Ulum (The Ocean of Sciences), Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۶ AH.
۶۳. Sharifi, Ahmad Hossein, Methodology of Islamic Humanities, Tehran: Aftab Tosi'ah Publications, ۲۰۱۶.
۶۴. Sharifi, Ahmad Hossein, The Fundamentals of Islamic Humanities, Tehran: Aftab Tosi'ah Publications, ۲۰۱۴.



۶۵. Sheikh Hurr Amili, Muhammad bin Hassan, Wasa'il al-Shi'ah, Qom: Alul Bayt Institute Publications, ۱۴۰۹ AH.
۶۶. Soroush, Abdolkarim, Science and Value, Tehran: Yaran Publications, ۸th Edition, ۱۹۸۲.
۶۷. Soroush, Abdolkarim, Tafarruj Sun' (Moral and Industrialization) (Discourses on ethics, Industry and Humanities), Tehran: Serat, Publications, ۲۰۰۹.
۶۸. Soroush, Abdolkarim, What is science, what is philosophy? Tehran: Serat Publications, ۱۹۹۶.
۶۹. Soroush, Abdolkarim,, "Islam and Social Sciences; A Critique of the Islamization of Science" Contained in: Religious Science Perspectives and Considerations, by Hamid Reza Hassani et al., Qom: Research Institute of Hawzeh / Seminary and University ۲۰۰۶.
۷۰. Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr, Al-Durr al-Manthur (The Scattered Pearls), Qom: Library of Ayatollah Mara'shi Najafi, ۱۴۰۴ AH.
۷۱. Suzanchi, Hossein, Meaning, Possibility and Strategies for the Realization of Religious Science, Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, ۲۰۰۹.
۷۲. Tabarani, Suleiman bin Ahmad, Al-Tafsir al-Kabir, Jordan: Dar al-Kitab al-Thaqafi, ۲۰۰۸.
۷۳. Tabarsi, Fadlh bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Confluence of Expressions in Quranic Exegesis), Tehran: Naser Khosrow, ۳rd Edition, ۱۹۹۳.
۷۴. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Muassasah Al-A'lami lil Matbua'at, ۲nd Edition, ۱۳۹۰ AH.
۷۵. Tusi, Muhammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (A Clarification in Quranic Exegesis), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
۷۶. Weber, Max, Religion, Power, Society, Translated by Ahmad Tadayyun, Tehran: Hermes, ۲۰۰۳.
۷۷. Website khamenei.ir.